

شرق روزنامه

نگاه

بن‌بست شکن و مؤثر



حسن بیادی.

۱- ضرورت تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام در دوران حیات امام احساس شد و با حکم ایشان تشکیل شد. پس از بازنگری قانون اساسی هم این مجمع، وظایف و عملکرد آن در اصل ۱۱۲ قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. این اصل تصریح می‌کند: «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان، خلاف موازین شرع یا قانون اساسی بداند و مجلس بد در نظرگرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌کند. مقررات مربوط به مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع، توسط خود اعضا تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.»- بر این اساس، وظایف مجمع کاملاً مشخص بوده و در شرح وظایف آن که به تأیید مقام معظم رهبری هم رسیده است، نیز به‌روشنی آمده است. وظایفی که اهمیت آن در رفع معضلات و کاستی‌های احتمالی کشور غریبالنکار است.

۲- هنرمندی بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی در تشخیص وجوب چنین شورایی که وظایف مهمی را با تنفیذ وظایف از سوی رهبری به مجمع، عهددار شوند در حکم آغاز فعالیت‌های مجمع در دوران حیات ایشان به‌خوبی دیده می‌شود. به بیان دیگر، این هنر مدیریتی امام(ره) بود که تصمیم گرفتند برای برخی بن‌بست‌های احتمالی در آینده نظام، از همان زمان چاره‌اندیشی کنند و ترکیب این شورا در آن مقطع و بعد از آن، این مسئله را نشان می‌دهد. اگرچه نقطه ابتدایی رسیدن به لزوم وجود مجمع، اختلاف بین شورای نگهبان و مجلس در قوانین بود، اما بعدها، تعیین اختیارات نظارتی و مشاوره به رهبری نظام نیز به این وظایف افزوده شد تا مجمع از بزرگان تشکیل شود.

۳- این اثرات در ادوار مختلف خود را نشان داد و به نظر نگارنده، در دوره‌های گوناگون، عملکرد مثبتی داشته است. فعالیت‌هایی مانند تدوین سند مهم چشم‌انداز ۲۰ساله نظام که با کار کارشناسی قوی و تأیید مقام معظم رهبری صورت گرفت و همواره از سوی ایشان به دولت‌ها گوزرد شده است. تدوین سیاست‌های کلی اصل ۴۴، سیاست‌های کلی انتخابات و... ازجمله افتخارات این بازوی توانمند فکری و کارشناسی نظام است.

۴- در دولت گذشته، دیده شد که یک جریان خاص نزدیک به رئیس دولت، درباره مجمع به اظهارنظرهایی خلاف واقع می‌پردازند. آنان فراموش کرده بودند اعضای حقیقی مجمع، مجتم، منصوب مقام معظم رهبری هستند و زمانی که سیاست‌های کلی را تدوین می‌کنند یا اینکه به اختلافات رسیدگی می‌کنند، نباید با رفتارهای خلاف واقع با آن برخورد شود. در آن مقطع در قانون تخصیص دو میلیارد دلار به حمل‌ونقل عمومی کلان‌شهرها، رئیس دولت وقت به طور رسمی قانون را نادیده گرفت و مصوبه مجمع که از سوی رئیس مجلس ابلاغ شد، روی کاغذ باقی ماند. این در حالی است که مجمع براساس مصلحت مردم و درک معضلات کلان‌شهر تهران در حمل‌ونقل عمومی - که بخش عمده آن به دلیل باری است که خود دولت بر شهر تهران تحمیل کرده - خواستار افزایش تسهیلات حمل‌ونقل عمومی شده بود اما با سرپیچی دولت از اجرای قانون رسمی این کشور مواجه شد و شهروندان تهرانی و شهرداری تهران از آن روز تا هم‌اکنون همچنان با مشکلات حمل‌ونقل عمومی مواجه هستند.

۵- سرپیچی از قوانین مجلس و مصوبات مجمع، امر قابل‌قبولی نیست. این نکته هم مشخص است که نباید برای هیچ‌یک از مسئولان، مجوز قانون‌گریزی وجود داشته باشد و هر فردی در هر جایگاهی، باید مسئول و پاسخ‌گوی رفتار قانون‌گریزانه باشد. همچنین نهادهایی که موظف به برخورد با قانون‌گریزی قوا هستند، می‌بایست بدون تبعیض، با دستانگانه یا قوه قانون‌گریز برخورد کنند. همه در برابر قانون یکسان هستند و این یکی از شعارهای محوری انقلاب اسلامی است. نگارنده دلیل کم‌توجهی به قانون را، توسعه بداخلاقی‌های سیاسی و اجتماعی می‌داند که نشئت‌گرفته از پایین‌بودن هزینه گریز از قانون در کشور است. اینکه اگر با فردی دچار اختلاف نظر هستند، کلیت یک نهاد را زیر سؤال ببرند، نیز امری خلاف قانون است. شاهد بودیم در دوران حیات آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و ریاست مؤثر ایشان بر مجمع، برخی افراد بدون عذر مشخص در مجمع شرکت نمی‌کردند. این امر ضایع‌کردن حقوق مردم و قانون است. شیوه ریاست آیت‌الله هاشمی بر مجمع براساس نظرات جمع بود و حضور چهره‌های شناخته‌شده نظام و مورد اعتماد مقام معظم رهبری در آنجا، این شورا را از تصمیمات فردی مبرا می‌سازد.

۶- حال که در دوره جدید این نهاد مؤثر، آغاز به کار کرده است، امید آن می‌رود همچنان به‌عنوان یک نهاد مشورتی کارآمد، در مسیر تحقق اهداف کشور و مردم حرکت کند. اگر نگاهی به ترکیب مجمع و سوابق اعضای حاضر در آن بیندازیم، این نکته قابل دریافت است که همه اعضا ازجمله چهره‌هایی هستند که سال‌ها در مدیریت‌های مختلف کشور و نظام بوده و به مسائل سیاسی وارد نمی‌شوند. ترکیب ادوار مجمع تشخیص مصلحت نظام، یکی از هنرهای رهبری نظام بوده است که از جناح‌ها و اندیشه‌های مختلف در ترکیب این نهاد بااهمیت، استفاده کرده‌اند. ایشان در تمام طول این ۲۶ سال، افرادی را انتخاب کرده‌اند که معتدل و معتقد به نظام بوده و هستند. مجمع در رفع بن‌بست‌های ایجادشده عملکرد خوبی داشته است. اصل ۴۴، صندوق توسعه ملی، بانک مرکزی و... نمونه‌های این معضلات هستند که مجمع آن‌ها را رفع کرده است.

رئیس پیشین کمیته شوراها و مدیریت کلی کمیسیون دفاعی و امنیت ملی مجمع تشخیص مصلحت

یادداشت

احکام ثانویه و مصلحت‌سنجی

سیدمحمد غروی*

بحث مصلحت‌سنجی در احکام و تصمیمات نظام اسلامی، نیازمند رجوع به فقه و متون دینی و بررسی جدی‌تر است تا شاید اطراف مسئله بیشتر باز شود. احکام الهی در دین مبین اسلام، موضوعاتی دارد که ممکن است احکام وضعیت دیگری پیدا کنند که از آنها به‌عنوان احکام ثانویه یاد می‌شود. به‌عنوان مثال، حکم اولیه خوردن مردار، حرام‌بودن آن است. فرض کنید فلان خوراکی حرام است؛ اما اضطراری بیش آمد که از جنس اضطرارهای معمولی نیست که چارچوب خودش را دارد و در شرع مقدس هم حدود آن مشخص شده است. اگر خطر مرگ وجود دارد و فقط یک ماهی حرام‌گوشت یا حیوان حرام‌گوشت در دسترس این فرد وجود دارد، به اندازه‌ای که خطری که برای حیات و زندگی او ایجاد شده، از بین برود، خوردن آن اشکالی ندارد. مشخص است که اگر وجوب حکم اولیه بخواهد باقی بماند - که مبتنی بر نخوردن گوشت حرام است- فرد باید این عسروحرج بکشد؛ اما دلیل جنگ کاملاً مشخص است؛ اما دلیل وجوب آن، خطری است که کیان یک کشور و مذهب را تهدید می‌کند؛ اما درباره احکامی که در مورد یا مواردی موجب ضرر می‌شود - در پاره‌ای از موارد دیگر نیز، گاهی تراحم ملاک‌ها پیش می‌آید. مثلاً در موقعیتی، دو تکلیف متوجه می‌شود. در اینجا تکلیف شرعی به دست آمده و از ملک قوی‌تری برخوردار است، انجام می‌شود. آنکه مالکش ضعیف‌تر است، اگر فوت شود، اشکالی پیش نمی‌آید. پس احکام اولیه، همان است که هست. احکام ثانویه هم چارچوب‌های روشنی برای فقیه دارد که البته درباره همین چارچوب‌ها جای بحث فراوان وجود دارد. درباره موضوع «مصلحت»، نیز نظر شارع مقدس به‌همین صورت است. به‌عنوان مثال، حکم اولیه این است که اگر فردی مالک خانه یا جایی است و آن را برای مدت معین به مستاجر داده و زمان این اجاره هم به پایان رسیده است، ملک باید تخلیه شود؛ اما اگر شرایط به گونه‌ای بود که اگر این حکم اولیه بخواهد در یک نظام اجتماعی تحقق پیدا کند، فرد به حرج بیفتد. به صورتی که اختلال در نظام پیش ییابد، می‌گویند چون مصلحت حفظ نظام اجتماعی اولویت دارد، باید از حکم اولیه دست برداشته شود.

ادامه در صفحه ۱۲



مجلس خبر

اعضای دوره جدید نهاد تشخیص مصلحت نظام، به ساختمان مرمر می‌روند

مجمع بدون «هاشمی»

مجلس خبر

رسید. دوره‌ای که پس از انتخابات «مقاوت» ریاست‌جمهوری نهم و در سال ۸۵ آغاز شد. در آن مقطع، تغییراتی در صحنه سیاسی کشور رخ داد که تا حدودی، خارج از گمانه‌زنی‌ها و امان‌های آشکار این عرصه بود و هم از این رو بود که مجمع، اعضای آن و در رأس آنها آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی روزهایی را تجربه کردند که از زمان تأسیس مجمع در سال ۶۶ تا امروز، برای آن قرینه‌ای نیافته‌اند. اگرچه این روند در کل فضای سیاسی کشور قابل ردصگردن است اما نزدیکان رئیس مجمع تأکید می‌کردند تخریب «استوانه نظام» اتفاقی تازه نیست و از سال ۱۳۵۴ رواج داشته اگرچه افراد، ظاهر و سمت آنها و البته رسانه و تاکتیک‌های به کار گرفته‌شده، ویژگی «به‌روزشدن» را داشته است. وقایع پرحاشیه انتخابات ریاست‌جمهوری دهم و حضور خانواده هاشمی در عرصه رقابت‌ها، علاقه دوچندان حامیان دولت به ایجاد اتمسفر دوقطبی و یک‌کاسه‌کردن همه رقبا زیر‌عبای رئیس‌جمهور دوران سازندگی و گسترده‌کردن زمین بازی برای حمله به آنها، حواشی انتخابات ریاست مجلس خبرگان و نشستن آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کنی بر صندلی

همراه شد. نوع پرداخت به الزام رسانه عمومی به قانون احقاق حق یکی از این مصوبات بود؛ قانونی که فردای انتخابات ریاست‌جمهوری دهم در جلسات معمول شنبه‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام در راستای اصلاح اساسنامه صداوسیما به تصویب رسید. در مناظره‌های انتخاباتی رئیس دولت نهم به شکلی بی‌سابقه، فهرست بلندبالایی از اتهامات به شخصیت‌های نظام و فعالان سیاسی منتقد وی نسبت داده شد که بسیاری انگشت حیرت به دهان گرفتند. آنهایی که در آن جلسات نبودند، بلافاصله قلم در دست گرفته و نامه‌هایی را به آدرس دفتر عزت‌الله ضرامی نوشتند؛ اگرچه با توجه به عملکرد صداوسیما- که آن را یک‌سویه می‌خواندند- چندان به فرجام درخواست برای پاسخ‌گویی امید نبسته بودند. مناظره تاریخی میرحسین و محمود احمدی‌نژاد چهارشنبه ۱۳ خرداد انجام شد و از فردای آن روز همه درصد پاسخ‌گویی به اتهامات برآمدند. خود ضرامی ناچار به اعلام این موضوع شد که درخواست‌های فراوانی از سوی افراد حقیقی و حقوقی مربوط به هر دو طرف مناظره ۱۳ خرداد به رسانه ملی واصل شده است. دفتر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، علی‌اکبر ناطق‌نوری، غلامحسین کرباسچی، مصطفی معین، زهرا رهنورد، محسن صفایی‌فراهانی و جبهه مشارکت افرادی حقیقی و حقوقی بودند که محمود احمدی‌نژاد از آنها نام برد. احمدی‌نژاد با طرح سوالاتی نظیر اینکه «پسران آقای هاشمی چه می‌کنند؟ آقای ناطق چطور زندگی می‌کند؟ پسرش چطور میلیارد شد؟» و همچنین تأکید بر اینکه «ستاره‌دارشدن دانشجویان مربوط به دوران وزارت معین بوده است» و اینکه «کارخانه رشت الکتریک را یکجا به آقای کرباسچی و همسرشان دادند»، همه چهره‌های سیاسی اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا را ناگزیر ساخت تا در مقام پاسخ‌گویی برآیند؛ اما به دلایل نامشخصی این اقدام صورت نگرفت. نکته جالب توجه این بود که ناصر سراج که به‌عنوان معاون سیاسی و امنیتی دادستان کل کشور در کمیسیون بررسی تبلیغات دهمین دوره ریاست‌جمهوری عضویت داشت، نیز با اشاره به اینکه در قانون مطبوعات امکان پاسخ‌گویی به کسانی که به آنها اهانتی می‌شود، لحاظ شده است، در گفت‌وگو با «خبر» گفت «بعید می‌دانم



۱۱ وظیفه بر دوش مجمع گذاشته که از آن جمله، ارائه مشاوره به مقام معظم رهبری در تعیین سیاست‌های کلی نظام (به استناد بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی)، پیشنهاد چگونگی حل معضلات نظام که از طریق عادی حل‌شدنی نیست، به مقام معظم رهبری (به استناد بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی)، تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس را شورای نگهبان خلاف موازین شرع یا قانون اساسی بداند از آن جمله‌اند

در قانون صداوسیما چنین نکته‌ای دیده شده باشد و احتمالاً ما با سکوت قانون در این زمینه روبرو هر هستیم»؛ اما در ۲۳ خرداد مجمع تشخیص مصلحت با حضور اکثریت اعضا تشکیل جلسه داد تا در آن، طرح الحاق یک ماده و پنج تبصره به قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مصوبه مجلس شورای اسلامی که مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته بود، مطرح شود و پس از بحث و بررسی‌های مبسوط درباره پیشنهاد کمیسیون علمی، فرهنگی و اجتماعی مجمع تشخیص مصلحت نظام، یک ماده و دو تبصره به شرح ذیل به قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ماده (۳۰) افزوده شد و شماره ماده (۲۰) به ماده (۳۱) اصلاح شد؛ ماده: «۳۰: چنانچه در برنامه‌های پخش‌شده سازمان (اعم از خبری، گزارشی، تولیدی در قالب‌های مختلف بیانی، تصویری و نمایشی) از شبکه‌های محلی، سراسری و بین‌المللی یا در اطلاعاتی‌های صادره از سروی آن سازمان، مطالبی مشتمل بر توهین، افترا یا خلاف واقع نسبت به هر شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) باشد یا به هر نحوی اظهارات اشخاص تعریف شود مراحل ذیل برای احقاق حق طی خواهد شد. مدعی می‌تواند اعتراض خود را کتباً به سازمان صداوسیما منعکس کند. سازمان صداوسیما در صورت قبول اعتراض، در ۲۴ ساعت پاسخ را به صورت عادلانه و حداقل دو برابر زمان اصل مطلب که از پنج دقیقه کمتر نباشد، در همان برنامه و ساعت و در همان شبکه به صورت رایگان پخش کند».

در این قانون، به شاکی اجازه داده شده در صورت استکفاد صداوسیما، در نهادهای دیگر طرح دعوی کند: «در صورت عدم توافق میان معترض و سازمان صداوسیما، می‌تواند موضوع را برای رسیدگی به شورای نظارت بر سازمان صداوسیما به‌عنوان مرجع تشخیص و تقوی توهین، افترا، تحریف یا خلاف واقع منعکس نماید و شورای نظارت نیز موظف است در اسرع وقت (حداکثر ۴۸

حامد طبیبی: مجمع تشخیص مصلحت نظام بدون آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی؛ واقعیتی که حالا و پس از درگذشت چهره کم‌نظیر ایران در حوزه مدیریت و سیاست، ناگزیر رخ داده و اعضای دوره هفتم مجمع، باید از این پس جلسات شنبه‌ها را برپا کنند. اگرچه اکثر قریب به اتفاق اعضای دوره گذشته در دوره تازه نیز عضو حقیقی مجمع خواهند بود اما نام چهره‌هایی نظیر محمدباقر کلباف و ابراهیم رئیسی، دو نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم و سیدمحمد صدر معاون وزارت خارجه دولت اصلاحات و از دیپلمات‌های اصلاح‌طلب در میان تازه‌واردان به چشم می‌خورد. اما مجمع تشخیص در دوره ششم یعنی دوره گذشته، روزهای تقریباً آرامی را پشت سر گذاشت؛ چه اینکه این دوره مصادف با دو سال پایانی دولت محمود احمدی‌نژاد بود؛ روزهایی که رئیس دولت دهم در سراسرایی قرار گرفته و نسبت‌دادن عنوان «جریان انحرافی» به حلقه اول نزدیکان رئیس دولت محبوب اصولگرایان، بهار روابط درون اردوگاه جریان راست سابق را به خزان بدل کرده بود. بیش از آن اما و در دوره پنجم، تنش‌ها در مجمع مصلحت‌اندیشان به اوج خود

شکل‌گیری نهاد حل اختلاف

با پیروزی انقلاب اسلامی و فرایند شکل‌گیری قانون اساسی و به تیج آن ایجاد ساختاری با نهادهای جدید و «دولت وسیع» که قرار بود براساس شریعت اسلام به جامعه و جهان بنگرد، مسائلی به تدریج بروز کرد که پیش‌بینی لازم درباره آنها صورت نگرفته بود. «فرایند نخستین سال‌های شکل‌گیری و تحقق نظامی نو با ویژگی‌های یادشده، اختلاف نظر پیرامون منطقی‌کردن قوانین کشور را با احکام شرع و قانون اساسی اجتناب‌ناپذیر می‌کند». مجلس براساس آنچه شرایط و باید و نیاید‌های کشور ایجاب می‌کرد، لوائح و طرح‌هایی را از تصویب می‌گذراند که به هر حال بازتاب‌های مختلفی در دهه اول انقلاب داشت. شورای نگهبان نیز وظیفه ذاتی داشت که براساس آن قرار بود مصوبات را با شرع و قانون اساسی مطابقت دهد و براساس تعریف قانون و توقع بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی وظیفه‌ای نیز برای مبناقرار دادن احکام ثانویه و حکومتی، ضرورت‌ها و مصلحت‌ها نداشت. اگرچه برخی بر این باور بودند که اگر این شورا نگاه موسع به مصوبات مجلس داشت و کمی تا کم قسمتی، احکام ثانویه را در معادلات خود لحاظ می‌کرد، شاید هیچ‌گاه لزوم یک نهاد رافع اختلاف احساس نمی‌شد. بر این اساس اگر شورای نگهبان به دلیل نوع و شیوه قانون‌گذاری در کشور، الزام داشت نظرات خود را به مجلس شورای اسلامی اعلام می‌کرد (عودت مصوبه مجلس) و در سوی مقابل، مجلس بر مصوبه خود اصرار می‌ورزید و نظر شورای نگهبان را نمی‌پذیرفت، بن‌بستی پدید می‌آمد که باید با «فقه پویا» یا آن برخورد بود تا شائبه نقض استقلال قوا بروز نکند؛ هر چند که براساس اسناد و شواهد، ایشان در هر جایی که لازم بوده، حرف آخر را زده‌اند.

موارد دیگر اختلاف‌نظر میان شورای نگهبان و پارلمان، تا حدودی رفع‌شدنی بود؛ اما در دو موضوع «قانون کار» و «قانون اراضی شهری» این تعارض بیشتر خود را نشان داد. سرانجام پس از مکاتباتی بین مقامات ارشد وقت کشور، درخواستی در بهمن ۱۳۶۲ به امضای رئیس‌جمهور وقت (آیت‌الله خامنه‌ای)، رئیس وقت مجلس، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، رئیس وقت دیوان عالی کشور، آیت‌الله موسوی‌اردبیلی، نخست‌وزیر وقت مهندس میرحسین موسوی و حجت‌الاسلام حاج سیداحمد خمینی به حضرت امام خمینی (ره) برای یافتن راهی برای پایان‌بخشیدن به این اختلافات تقدیم شد. بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی نیز در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۶۶ با صدور فرمانی، مجمع تشخیص مصلحت نظام را برای رسیدگی به این قبیل امور پیشنهاد کردند. وظیفه مجمع در بدو فعالیت، کاملاً «کلاسه‌شده» بود و فقط به موارد اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان می‌پرداخت. بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸، فرصتی را در اختیار شورای بازنگری قرار داد تا پس از بحث‌های مشروح درباره جایگاه مجمع تشخیص مصلحت، وظایف ۱۱گانه‌ای را در اصول ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰ و ۱۱۷ برعهده این نهاد عالی بگذارند. در میان این اصول، اصل ۱۱۲ به شکل خاص، به وظایف مجمع می‌پرداخت و بقیه اصول در برخی بندها به نام مجمع رسیده بود. اصل و بندهای یادشده، ۱۱ وظیفه بر دوش مجمع گذاشته که از آن جمله، ارائه مشاوره به مقام معظم رهبری در تعیین سیاست‌های کلی نظام (به استناد بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی)، پیشنهاد چگونگی حل معضلات نظام که از طریق عادی حل‌شدنی نیست، به مقام معظم رهبری (به استناد بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی)، تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای نگهبان خلاف موازین شرع یا قانون اساسی بداند (به استناد اصل ۱۱۲ قانون اساسی) و عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی (اعضای ثابت مجمع) (به استناد اصل ۱۷۷ قانون اساسی) و تصویب برخی از وظایف رهبری برای اجرا به وسیله شورای موقت رهبری (به استناد اصل ۱۱۱ قانون اساسی) را می‌توان نام برد.

تنش در دوره پنجم

مجمع در دوره پنجم یعنی دوره پرتنش سه سال دولت نهم و دو سال دولت دهم، ۵۶ مصوبه داشت که در هر سه محور وظایف یعنی حل اختلافات میان مجلس و شورای نگهبان، حل معضلات و سیاست‌های کلان نظام بوده است؛ باین‌حال چند مصوبه مجمع در این دوره با حواشی تأمل‌برانگیزی